

رم چشم انداز را ایجاد می کند - شماره سیزده

مناقشات رم: شناخت آزمون نهایی تصویر وحش

Jeff Pippenger

2024-09-01

در حالی که بررسی مناقشات گوناگونی را که در تاریخ ادونتیست ها رخ داده است خطبه خط کنار هم می گذاریم تا فهم خود از مسئله کنونی را به نتیجه برسانیم، ویژگی های برگزیده ای از پنج خط نبوت را برگرفته ایم. خط نخست همان خط آخر نیز هست، زیرا هر دو مناقشه مستقیماً بر آیه چهاردهم باب یازدهم دانیال، «راهزنان قوم تو»، استوار بود. ما مناقشات اورباه اسمیت و جیمز وایت و نیز مناقشه «دائمی» در کتاب دانیال را بررسی کردیم. همچنین مناقشه ای را که پس از گشوده شدن مهر شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال در سال ۱۹۸۹ درباره «پادشاه شمال» رخ داد، بررسی کردیم. سپس به چهار حشره کتاب یوئیل پرداختیم. مطالب بسیار بیشتری می توان به هر یک از این خطوط افزود، اما ما صرفاً برخی ویژگی های را جدا می کنیم که در پدید آمدن مواضعی که حقایق مرتبط با موضوع روم را رد کردند، نقش داشتند.

پنج تاریخ وجود دارد، اما اینکه نخستین نیز همان آخری است، شش خط را نمایان می سازد. زمینه نبوی این خطوط مناقشه، ایام آخر است؛ از این رو این خطوط باید در جریان آزمون تمثال وحش به کار گرفته شوند.

خداوند به روشنی به من نشان داده است که تصویر وحش پیش از بسته شدن مهلت شکل خواهد گرفت؛ زیرا این آزمون بزرگ برای قوم خدا خواهد بود که بر پایه آن سرنوشت ابدی آنان تعیین خواهد شد...

"این همان آزمونی است که قوم خدا باید پیش از آن که مهر شوند، آن را بگذرانند." انتشار دست نوشته ها، جلد ۱۵، ۱۵.

آزمون شکل گیری تصویر وحش، همچون شش محور دیگر مناقشه، آزمونی درباره موضوع نبوی روم است. آزمون بزرگی که پیش از مهر شدن قوم خدا رخ می دهد، درباره شکل گیری تصویر وحش رومی است. وحش همان قدرت پاپی است و ایالات متحده، در مسیر پیشروی به سوی قانون یکشنبه ای که به زودی فرا می رسد، تصویری از قدرت پاپی را می سازد.

"برای اینکه ایالات متحده بتواند تمثال وحش را شکل دهد، قدرت مذهبی باید حکومت مدنی را چنان تحت کنترل خود درآورد که اقتدار دولت نیز از سوی کلیسا برای تحقق مقاصد خویش به کار گرفته شود." مناقشه بزرگ، ۴۴۳.

آن قانون یکشنبه در ایالات متحده نشان می دهد که تصویر وحش در ایالات متحده کاملاً شکل گرفته است.

«اما در خود عمل تحمیل یک وظیفه دینی به وسیله قدرت دنیوی، کلیساها خود تمثالی برای وحش خواهند ساخت؛ از این رو، تحمیل رعایت یکشنبه در ایالات متحده، تحمیل پرستش وحش و تمثال او خواهد بود.» مناقشه عظیم، ۴۴۹.

در هنگام قانون یکشنبه، تصویر وحش در ایالات متحده به طور کامل شکل گرفته است و سپس ایالات متحده به کلی از خدا جدا می شود و کار نبوی خود را برای واداشتن تمام جهان به برپا کردن تصویر وحش آغاز می کند. در هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده، شیطان کار شگفت انگیز خود را آغاز

می‌کند تا ملت‌های جهان را به تکرار فرایند شکل‌گیری تصویر وحش رهبری کند؛ تصویری که همه ملت‌های جهان را در بر می‌گیرد.

«با صدور فرمانی که برخلاف قانون خدا، نهاد پاپی را الزام‌آور می‌سازد، ملت ما به‌طور کامل از راستکاری جدا خواهد شد. وقتی پروتستانیسم دست خود را از فراسوی شکاف برای فشردن دست قدرت رومی دراز کند، و هنگامی که بر فراز ورطه دست در دست روح‌گرایی نهد، و زمانی که تحت نفوذ این اتحاد سه‌گانه کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را، به‌عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری، نفی کند و برای ترویج اکاذیب و گمراهی‌های پاپی تمهیداتی فراهم آورد، آنگاه خواهیم دانست که زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» شهادت‌ها، جلد ۵، صفحه ۴۵۱.

با فرارسیدن قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه در ایالات متحده، شیطان با همکاری ایالات متحده هر ملت را وادار خواهد کرد که از الگوی ایالات متحده در تشکیل نظام کلیسا و دولت و نیز اجباری کردن عبادت یکشنبه پیروی کند.

شیطان معجزات را به کار خواهد گرفت تا ساکنان زمین را فریب دهد. روح‌گرایی کار خود را با ظاهر ساختن مردگان انجام خواهد داد. آن نهادهای دینی که از شنیدن پیام‌های هشدار خدا سر باز می‌زنند، در فریبی شدید گرفتار خواهند شد و با قدرت مدنی متحد خواهند شد تا قدیسان را آزار و تعقیب کنند. کلیساهای پروتستان با قدرت پاپی در آزار و تعقیب قوم خدا که به احکام پایبندند، متحد خواهند شد. این همان قدرتی است که نظام بزرگ آزار و تعقیبی را شکل می‌دهد که بر وجدان‌های مردم استبداد روحانی اعمال خواهد کرد.

«او دو شاخ مانند بره‌ای داشت و مانند اژدها سخن می‌گفت.» گرچه خود را پیروان بره خدا می‌خوانند، انسان‌ها از روح اژدها آکنده می‌شوند. ادعا می‌کنند که حلیم و فروتن‌اند، اما با روح شیطان سخن می‌گویند و قانون می‌گذارند و با کردار خود نشان می‌دهند که خلاف آنچه ادعا می‌کنند هستند. این قدرت بره‌گونه با اژدها متحد می‌شود تا با کسانی که احکام خدا را حفظ می‌کنند و شهادت عیسی مسیح را دارند وارد جنگ شود. و شیطان با پروتستان‌ها و پیروان پاپ متحد می‌شود و همچون خدای این جهان همدستان با آنان عمل می‌کند و به انسان‌ها فرمان می‌دهد، چنان‌که گویی آنان رعایای پادشاهی اویند، و باید هرگونه که او می‌خواهد با آنان رفتار شود و بر آنان حکومت شود و آنان تحت کنترل او قرار گیرند.

"اگر مردم حاضر نشوند احکام خدا را لگدمال کنند، روح اژدها آشکار می‌شود. آنان زندانی می‌شوند، به شوراها برده می‌شوند و جریمه می‌گردند. 'او همه را، خرد و بزرگ، دولتمند و فقیر، آزاد و برده را و او می‌دارد تا نشانی را بر دست راستشان یا بر پیشانی‌هایشان دریافت کنند' [مکاشفه ۱۶:۱۳]. 'به او قدرت داده شد که به شمایل وحش جان ببخشد تا شمایل وحش سخن بگوید و موجب شود هر که شمایل وحش را پرستش نکند کشته شود' [آیه ۱۵]. بدین‌سان شیطان اختیارات مخصوص یهوه را غصب می‌کند. مرد گناه بر کرسی خدا می‌نشیند، خود را خدا اعلام می‌کند و فراتر از خدا عمل می‌کند." انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۴، ۱۶۲.

قدرت پاپی همان وحش است، سازمان ملل متحد اژدهاست و ایالات متحده آمریکا پیامبر کاذب است. کسانی که در معنای ضد مسیح دچار سردرگمی شوند—که ضد مسیح هم خود شیطان است و هم نماینده زمینی او، یعنی پاپ رم—در نهایت در جبهه ضد مسیح قرار خواهند گرفت.

ایالات متحده «آن مرد گناه» نیست. آن مرد گناه دجال است و او نماینده زمینی شیطان است. خلط قدرتی که نهاد پاپی را بر تخت زمین می‌نشانند با خود نهاد پاپی، از سوی پولس به‌عنوان نشانه دوست داشتن حقیقت معرفی شده است. رد کردن نسبت نبوی روم بت‌پرست — که قدرت پاپی را مهار

می‌کرد تا زمانی که روم بت‌پرست از میان برداشته شد تا قدرتِ پاپی آشکار شود — چنان‌که در رساله دوم تسالونیکیان، فصل دوم، بیان شده است، به معنای رد ریزش روح‌القدس و پذیرفتن ریزش روح ناپاک است که پولس آن را گمراهی شدید می‌نامد. با این همه، هر یک از پیامبران کهن بیش از آنکه درباره روزگار خود سخن بگویند، درباره روزهای آخر مستقیم‌تر سخن گفته‌اند.

«هر یک از انبیای کهن، کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما؛ از این رو نبوت ایشان برای ما نافذ و برقرار است.» و این همه بدیشان به جهت عبرت واقع شد، و مکتوب گردید برای تنبیه ما که اواخر عالم بر ما رسیده است.» 1 Corinthian 10:11. «که نه برای خود، بلکه برای ما خدمت می‌کردند در اموری که الحال به شما خیر داده شده است به واسطه آنانی که به روح‌القدس فرستاده شده از آسمان، انجیل را به شما بشارت دادند؛ اموری که فرشتگان آرزومندند در آن‌ها بنگرند.» 1 Peter 1:12....»

کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر انباشته و یکجا گرد آورده است. همه رویدادهای بزرگ و وقایع خطیر تاریخ عهد عتیق در این روزهای واپسین در کلیسا خود را تکرار کرده‌اند و می‌کنند. پیام‌های برگزیده، جلد ۳، ۳۳۸، ۳۳۹.

روم و ثنی و مرد گناه در رساله دوم به تسالونیکیان، نمایانگر ایالات متحده و روم پاپی در روزهای آخر هستند. بدفهمی این حقیقت، از جمله، نشان می‌دهد که حتی اگر کسی ادعا کند تفسیر شخصی خود را بر اصل «نمونه و ضدنمونه» بنا نهاده است، در واقع «نمونه و ضدنمونه» را نمی‌فهمد. در تاریخ مقدس، چندین قدرت به عنوان نمونه‌ای از ایالات متحده عمل کرده‌اند. هر قدرت دوشاخ نماینده ایالات متحده در روزهای آخر است؛ خواه پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل باشد، خواه امپراتوری مادی-پارسی، یا فرانسه بی‌خدا که با سدوم و مصر به تصویر کشیده شده است.

دورانی که ایالات متحده تصویری از وحش و برای وحش می‌سازد، به وسیله آهن و گل باب دوم دانیال، و شاخ کوچک باب هشتم دانیال که به صورت مذکر و مؤنث ظاهر می‌شود، و نیز به وسیله انبیای بعل و کاهنان بی‌بیشه در شهادت ایلیا بر کوه کرمل، تمثیل شده است. سالومه در روایت جشن تولد هیرودیس که با مستی همراه بود، نمایانگر ایالات متحده است. پرگاموس نمایانگر ایالات متحده است و سازشی را که به تیاتیرا منتهی می‌شود، شناسایی می‌کند؛ و تیاتیرا نیز نمایانگر قدرت پاپی روزهای آخر است.

کلویس، پادشاه فرانک‌ها در سال ۴۹۶، نماد ایالات متحده در دوران رونالد ریگان است. یوستینیان در سال ۵۳۳ نماد دونالد ترامپ در آستانه قانون یکشنبه است. در هر یک از این نمادپردازی‌ها، ایالات متحده نماینده قدرتی است که در برابر قدرت پاپی روزهای آخرالزمان سر تسلیم فرود می‌آورد. قدرتی که سر تسلیم فرود می‌آورد، به صورت ادای احترام به روم به تصویر کشیده می‌شود. عمل «ادای احترام» شامل تعظیم در برابر پادشاه است که در رأس قرار دارد.

نشان داده شده است که ایالات متحده همان قدرتی است که با وحش دارای شاخ‌هایی مانند شاخ بره مجسم شده، و این نبوت زمانی تحقق خواهد یافت که ایالات متحده به اجرای اجباری حفظ یکشنبه اقدام کند؛ چیزی که رم آن را اذعان ویژه به تفوق خویش می‌خواند. اما در این ادای احترام به پاپیت، ایالات متحده تنها نخواهد بود. نفوذ رم در کشورهای که زمانی سلطه او را پذیرفته بودند، هنوز به کلی از میان نرفته است. و نبوت بازگشت قدرت او را پیش‌گویی می‌کند. «دیدم یکی از سرهایش چنان‌که گویی تا به مرگ زخمی شده است؛ و زخم مرگبارش شفا یافت؛ و تمامی جهان از پی آن وحش در شگفت شدند.» آیه ۳. وارد آمدن آن زخم مرگبار به سقوط پاپیت در سال ۱۷۹۸ اشاره دارد.

پس از این، پیامبر می‌گوید: «زخم مرگبارش شفا یافت؛ و تمام جهان شگفت‌زده از پی آن وحش رفتند.» پولس به صراحت بیان می‌کند که «مرد گناه» تا ظهور دوم ادامه خواهد داشت. دوم تسالونیکیان ۳: ۲-۸. تا به پایان زمان، او کار فریب را ادامه خواهد داد. و مکاشفه‌گر نیز، با اشاره به پاپیت، اعلام می‌کند: «همه ساکنان زمین او را پرستش خواهند کرد، آنان که نام‌هایشان در کتاب حیات نوشته نشده است.» مکاشفه ۸: ۱۳. در هر دو دنیای قدیم و جدید، به پاپیت در تکریم آیین یکشنبه، که صرفاً بر مرجعیت کلیسای رومی متکی است، ادای احترام خواهد شد.» مناقشه عظیم، ۵۷۸.

آخرین جمله شواهد بیشتری فراهم می‌آورد که نشان می‌دهد خواهر وایت اصطلاح «جهان قدیم» را نماینده اروپا و «جهان جدید» را نماینده قاره‌های آمریکا می‌دانست. با این وصف، این ایالات متحده است که به قدرت پاپی ادای احترام می‌کند و بقیه جهان را نیز وادار می‌کند همان کار را بکنند. این امر ایالات متحده را به عنوان مطیع فرامین قدرت پاپی معرفی می‌کند. شناسایی اشعیا و تأکید او بر فهم «سر» برای استوار شدن، هدف الهی خود را در این می‌یابد که نماد «سر» به کلیدی برای فهم خط بیرونی نبوت و نیز خط درونی نبوت تبدیل می‌شود.

زیرا سر سوریه دمشق است و سر دمشق رصین؛ و تا شصت و پنج سال دیگر افرایم چنان درهم شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و سر افرایم سامره است و سر سامره پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً برقرار نخواهید ماند. اشعیا ۸: ۷، ۹.

در روزهای آخر، که در آن شهادت هر پیامبر اعتبار دارد، «غارتگران قوم تو» رؤیا را تثبیت می‌کنند. بر پایه مرجعیت روح نبوت و در توافق با حقایق بنیادین ادونتیسیم، چنان‌که بر دو لوح مقدس حبقوق به تصویر کشیده شده است، «غارتگران» نماد روم‌اند. هنگامی که روم مشرک برای نخستین بار در سال ۲۰۰ پیش از میلاد وارد صحنه تاریخ شد، پیش‌نمونه روم مدرن روزهای آخر گردید. این حقیقت نبوی همان چیزی است که رؤیای روزهای آخر را تثبیت می‌کند، و اگر نپذیرید که «سر» روم مدرن، قدرت پاپی است، بی‌تردید استوار نخواهید شد.

«جهان از توفان و جنگ و اختلاف پر است. اما تحت رهبری واحد—قدرت پاپی—مردم برای مخالفت با خدا در شخص شاهدان او متحد خواهند شد.» شهادت‌ها، جلد ۷، ۱۸۲.

اگر گوش شنوا داری، می‌توانی دریابی که یکی از لغزش‌های اصلی یهودیان عصر مسیح این بود که «سایه» را «اصل» می‌پنداشتند. یهودیان، چه پیش از صلیب و چه پس از آن، به نمادهای نظام پرستش خود تکیه کردند و اصل آن نمادها را رد کردند. آنان می‌گفتند «سایه» همان «اصل» است و با این کار در نوشته الهام‌شده، برای روزهای آخر ردی از مردمی بر جا گذاشتند که آنان نیز سایه را اصل خواهند پنداشت.

وقتی ایالات متحده تصویری برای وحش پدید می‌آورد، در واقع سایه‌ای از آن وحش را شکل می‌دهد. این، ساختن سایه‌ای از اصل است، زیرا تصویر، خود نماد است. اینکه ایالات متحده را، هنگامی که تصویر وحش را پدید می‌آورد، نماد روم مدرن بدانیم، همسان کردن آن با رد و به صلیب کشیدن مصداق نهایی عظیم از سوی اسرائیل باستان است.

آنان که دیدگاه نادرست اینکه ایالات متحده «غارتگران قوم تو» است را تعلیم می‌دهند، بسیار درباره به‌کارگیری «نمونه و ضدنمونه» سخن می‌گویند و غالباً ایالات متحده را «صورت وحش» می‌شمارند و به‌نحوی می‌پندارند که با همین شناسایی ایالات متحده به‌عنوان «صورت وحش» ثابت می‌شود که ایالات متحده همان «غارتگران» است. اگر واقعاً اجازه می‌دادند که اصول بنیادین «نمونه و ضدنمونه» بر ایشان حاکم باشد، به‌زودی می‌دیدند که نقش نبوی ایالات متحده که بارها در کلام خدا نمونه‌وار ترسیم شده، آن را به‌عنوان قدرتی که تحت انقیاد اقتدار پاپی است معرفی می‌کند.

می‌دیدند که بدون وحش به‌عنوان نقطه مرجع، شناسایی صورتی برای وحشی که وجود نداشت، بی‌معناست. تنها چیزی که می‌تواند «صورتِ وحش» را تعریف کند، خود آن وحش است، زیرا این قدرتِ پاپی است که آن صورت را در رؤیای آینه‌ای برپا می‌سازد.

خط نبوتِ موازی با رخدادِ شکل‌دادن صورتِ وحش توسط ایالات متحده، هنگامی است که شاخ پروتستان‌تیسیم راستین صورتِ مسیح را شکل می‌دهد. آن شکل‌گیری به‌طور مشخص در باب دهم دانیال شناسایی می‌شود، آنگاه که دانیال رؤیای «ماراه» را می‌بیند؛ همان رؤیای «آینه». دانیال نمایندهٔ کسانی است که مسیح را می‌نگرند و بدین‌سان سیرتِ مسیح را باز می‌تابانند. اگر رؤیای مسیح بر دانیال آشکار نمی‌شد، او نمی‌توانست سیرتِ مسیح را بازتابانند. برای آنکه آن صد و چهل و چهار هزار نفر - که در باب دهم، دانیال نمایندهٔ آنان است - صورتِ مسیح را در درون خود شکل دهند، باید سیرت او را بنگرند. با نگرستن، دگرگون می‌شوند.

اما همهٔ ما، با چهره‌ای بی‌پرده، همچون در آینه، جلال خداوند را می‌نگریم و به همان صورت از جلالی به جلالی دیگر دگرگون می‌شویم، به‌وسیله روح خداوند. ۲ قرن‌تیا ۳:۱۸

تعریف عبری رؤیای «marah» که دانیال در باب دهم دید، این است: «رؤیا؛ همچنین (به‌صورت سببی) آینه: -آینه، رؤیا.» واژهٔ یونانی ترجمه‌شده به «آینه» در آیهٔ پیشین، به معنای «خود را در آینه نگرستن» است؛ یعنی «بازتاب را دیدن (به‌صورت مجازی): -نگرستن همچون در آینه.»

جیمز همچنین رشته‌ای از حقیقت را که با آینه مرتبط است مطرح می‌کند.

زیرا اگر کسی شنوندهٔ کلام باشد و نه عامل آن، مانند مردی است که چهرهٔ طبیعی خود را در آینه می‌نگرد؛ زیرا خود را می‌بیند و می‌رود و بی‌درنگ فراموش می‌کند چگونه آدمی بود. اما هر که در شریعتِ کامل آزادی بنگرد و در آن پایدار بماند، نه شنونده‌ای فراموش‌کار، بلکه انجام‌دهندهٔ عمل باشد، این شخص در کار خود مبارک خواهد بود. یعقوب ۱:۲۳-۲۵.

اگر حقیقت را دوست بداریم و در نتیجه عامل کلام باشیم، آنگاه آینه‌ای که در آن می‌نگریم شریعتِ کامل آزادی است؛ اما اگر حقیقت را دوست نداشته باشیم و پس از آن راه خود را برویم، همان‌گونه که همراهان دانیال هنگام فرار چنین کردند، آنگاه آن آینه فقط بازتاب خود ماست.

«شریعتِ خدا آینه‌ای است که بازتابی کامل از انسان همان‌گونه که هست ارائه می‌دهد و تصویر درست را در برابر او می‌گیرد. برخی روی برمی‌گردانند و این تصویر را از یاد می‌برند، حال آنکه برخی دیگر نسبت به شریعت القاب اهانت‌آمیز به کار می‌برند، گویی این کار عیوب شخصیت‌شان را درمان می‌کند. اما گروهی دیگر که به‌وسیله شریعت محکوم شده‌اند، از تعدیاتِ خود توبه خواهند کرد و از طریق ایمان به شایستگی‌های مسیح، شخصیتِ مسیحی را به کمال خواهند رساند.» ایمان و اعمال، ۳۱.

دانیال خود را در آینهٔ رویا ندید؛ او مسیح را دید، که تجسم کامل شریعتِ کامل آزادی یعقوب است.

زندگی زمینی مسیح بازتابی کامل از شریعت الهی است. در او حیات و امید و نور است. به او بنگرید، و به همان صورت دگرگون خواهید شد، از خصلتی به خصلت دیگر. Signs of the Times، ۱۰ مه ۱۹۱۰.

تصویر وحش بازتاب خود وحش است و شکل‌گیری تصویر وحش آزمون بزرگی برای قوم خداست که بر اساس آن سرنوشت ابدی آنان تعیین خواهد شد. هنگامی که کلیساهای پروتستان زمام حکومت ایالات متحده را به دست گیرند، نمادی از نظام اتحاد کلیسا و دولت را شکل خواهند داد که قدرت پاپی همواره به کار گرفته است. در همان دوره، تصویر مسیح در قوم روزهای آخر او پدیدار خواهد

شد. با این حال، آنان که با دانیال بودند رؤیا را ندیدند، زیرا از رؤیا گریختند.

پدید آمدن تصویر مسیح موجب آشکار شدن دو طبقه از پرستندگان می‌شود. یک طبقه اصل انعکاس را رد می‌کند. اصل انعکاس به وسیله آینه نشان داده می‌شود، زیرا مسیح از امور زمینی محسوس برای نمایاندن حقایق معنوی آسمانی استفاده می‌کند.

در تعلیم تمثیلی مسیح، همان اصلی به چشم می‌خورد که در مأموریت خود او به جهان نیز حاکم بود. تا با سرشت و حیات الهی او آشنا شویم، مسیح طبیعت ما را بر خود گرفت و در میان ما ساکن شد. الوهیت در انسانیت آشکار شد؛ جلال نادیدنی در قالب انسانی دیدنی. آدمیان می‌توانستند ناشناخته را از رهگذر شناخته‌ها بیاموزند؛ امور آسمانی از طریق امور زمینی آشکار می‌شد؛ خدا در شباهت آدمیان ظاهر شد. تعلیم مسیح نیز چنین بود: ناشناخته به واسطه‌ی شناخته تبیین می‌شد؛ حقایق الهی به وسیله‌ی امور زمینی‌ای که مردم بیش از همه با آن‌ها مأنوس بودند.

کتاب مقدس می‌گوید: «عیسی همه این سخنان را به جماعت به صورت مثل‌ها گفت؛ ... تا آنچه به وسیله نبی گفته شده بود، به انجام رسد که می‌گوید: دهان خود را به مثل‌ها خواهم گشود؛ چیزهایی را که از بنیاد جهان پنهان بوده‌اند، بر زبان خواهم آورد.» متی ۱۳:۳۴، ۳۵. امور طبیعی وسیله‌ای برای امور روحانی بودند؛ پدیده‌های طبیعت و تجربه زندگی شنوندگان او با حقایق کلام مکتوب پیوند می‌یافتند. بدین‌سان، با هدایت از قلمرو طبیعی به قلمرو روحانی، مثل‌های مسیح حلقه‌هایی در زنجیر حقیقت‌اند که انسان را با خدا و زمین را با آسمان پیوند می‌دهند.» درس‌های تمثیلی مسیح، ۱۷.

اصل روحانی انعکاس با نگاه کردن در آینه‌ای که نمایانگر مسیح است تحقق می‌یابد و چون بینش "marah" بینشی سبب‌ساز است، تصویر مسیح در آینه تصویر مسیح را در انسانیت پدید می‌آورد.

ادعا کردن اینکه ایالات متحده چیزی است که بینش را تثبیت می‌کند، به منزله ادعا کردن این است که تمثال دانیال چیزی است که مسیح را تثبیت می‌کند. مسیح است که بینش شخصیت و کار خویش را تثبیت می‌کند، و ضد مسیح است که بینش شخصیت و کار خود را تثبیت می‌کند. بینش همان چیزی است که با آینه بازتاب می‌یابد، و بینش به دست غارتگران تثبیت می‌شود. بدفهمی تمثال یک وحش، با یکی دانستن تمثال با خود وحش، به پدید آمدن خطوط موازی می‌انجامد.

انسان توبه‌نکرده در آینه خود را می‌بیند، و اگر هم شریعت خدا را ببیند، برای گریز از مطالبات آن، آن را به سخره می‌گیرد. انسان توبه‌کرده در آینه مسیح و شریعت او را می‌بیند. ایالات متحده با مشاهده قدرت پاپی و نسخه‌برداری از آن، تصویری از آن قدرت شکل می‌دهد. ضد مسیح توسط ایالات متحده بازتولید می‌شود.

لوسیفر آرزو داشت که بر تخت‌های سیاسی و مذهبی خدا بنشیند.

چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای، ای لوسیفر، پسر صبح! چگونه بر زمین افکنده شده‌ای، تو که ملت‌ها را ناتوان می‌ساختی! زیرا در دل خود گفته‌ای: به آسمان عروج خواهم کرد؛ تخت خود را بر فراز ستارگان خدا برافراشته خواهم ساخت؛ همچنین بر کوه جماعت، در کناره‌های شمال، خواهم نشست؛ از اوج ابرها بالاتر خواهم رفت؛ مانند خدای متعال خواهم بود. حزقیال ۱۴:۱۲-۱۴.

شیطان دجال است و قدرت پاپی نیز دجال است. قدرت پاپی در کلیسا مستقر بود و بر تخت‌های سیاسی اروپا حکم می‌راند. آینه سبب‌ساز باب دهم دانیال، هنگامی که در کاربست روحانی‌اش دیده شود، بینندگان را به صورت مسیح دگرگون می‌کند. آن حقیقت بر خط سیر دجال حکم فرماست. وقتی یک ملت یا یک فرد در بینش آینه‌ای می‌نگرد، اثری سبب‌ساز پدید می‌آورد، زیرا صورت خود را در آن

فرد یا ملتِ بیننده بازتولید می‌کند، و این یا صورتِ مسیح را پدید می‌آورد یا صورتِ وحش را. این با همان اثری که نزد دانیال نشان داده شده، همسان است. مسیح بود که بینش را برای دانیال برقرار کرد، و دجال، هنگامی که ایالات متحده صورتِ وحش را شکل می‌دهد، بینش را برای ایالات متحده برقرار می‌کند.

ما این اندیشه‌ها را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.